

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۱۸

بررسی و ارزیابی میزان مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری و ارائه الگوی بهینه (مطالعه موردی: بناب)

روح‌الله امیری^۱، قباد طهماسبی^۲، داود حاتمی^۳

چکیده

در ایران گرچه واژه مشارکت در غالب تعاون و همکاری و همیاری مسبوق به سابقه‌ای دیرینه است اما این پدیده به مفهوم جدید خود هنوز در کشور نهادینه نشده است. نگاهی به ملاحظات صورت گرفته در زمینه میزان مشارکت شهروندان در توسعه طرح‌های شهری در ایران مبین این واقعیت است که اغلب تجربیات صورت گرفته در فرایند تهیه و اجرای طرح‌ها رویکردی از بالا به پایین و بدون توجه به زندگی و الگوهای رفتاری و مشارکت ساکنین را دنبال کرده است. نوشتار حاضر قصد دارد ضمن تبیین اهمیت نقش شهروندان که از عناصر مهم توسعه طرح‌های شهری هستند به ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء مشارکت آن‌ها در مدیریت، فرایند تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری توسعه طرح‌های شهری در راستای تحقق رویکرد توسعه مشارکتی بپردازد. هدف اصلی این پژوهش ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان در شهر بناب و ارائه الگوی بهینه می‌باشد. تحقیق حاضر از نوع پیمایشی و توصیفی تحلیلی می‌باشد که از طریق مطالعات میدانی (پرسشنامه) انجام شده و توزیع پرسشنامه به تعداد ۳۸۲ در بین کلیه شهروندان ساکن با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی ساده صورت گرفته و در نتیجه با استفاده از تحلیل آماری SPSS (آزمون همبستگی اسپیرمن)، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که میزان مشارکت مردم بناب در سطح پایین و الگوی مشورتی (سطح سوم از هفت سطح استاندارد مشارکت) به عنوان الگوی نمونه مطرح شده است و تا رسیدن به سطح هفتم (مشارکت خود انگیزی)، که بالاترین و بهترین سطح مشارکت هست راهی طولانی وجود دارد. علاوه بر آن بین متغیرهای سن، جنس شهروندان، میزان مشارکت اجتماعی در نهادهای اجتماعی، واقع گرایی، نگرش شهروندان نسبت به مشکلات طرح‌های انجام شده و مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه مثبت و معنی‌داری وجود ندارد و همچنین بین متغیرهای محل تولد، یکدلی، طرح‌های انجام شده شهر بناب، نظرات شهروندان نسبت به ساکنان محله، سابقه سکونت شهروندان و طرح‌های توسعه شهری رابطه معنی‌دار، پایین و جزئی وجود دارد.

واژگان کلیدی: مشارکت شهروندان، طرح‌های شهری، توسعه مشارکتی، شهر بناب.

^۱. نویسنده مسئول، دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

^۲. دانشجوی دکترای تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اردبیل، اردبیل، ایران.

^۳. دانشجوی دکترای تخصصی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. پست الکترونیک Davoud.hatami@yahoo.com

مقدمه

رشد شتابان شهرنشینی و شهرگرایی به ویژه در کشورهای در حال توسعه، اداره امور شهرها را با مشکلات جدی روبرو ساخته است. مسائل اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فرهنگی در شهرها، بر پیچیدگی موضوع افزوده است به همین سبب و با توجه به شرایط فوق در شهرهای جهان سومی و به طور خاص در کلان شهرها مشکلات عمده‌ای چون مهاجرت روستائیان به شهر، ترافیک، آلودگی هوا، مسکن، آب و فاضلاب، کمبود سرانه‌ها و بسیاری از فاکتورهای دیگر، بر معضلات اداره شهرها افزوده است. شیوه‌های مناسب مدیریت شهری می‌تواند ضمن اداره امور شهرها به تدریج از حجم مشکلات کم نموده و شرایط بهتری را برای یک زندگی شهری فراهم نمایند (شربت، ۱۳۹۷: ۱۶۲). الگوی حکمروایی خوب شهری به عنوان فرایند مشارکتی توسعه تعریف می‌شود، که به موجب آن همه ذینفعان شامل حکومت، بخش خصوصی، و جامعه مدنی وسایلی را برای حل مشکلات شهری فراهم می‌کند. در این الگو مسئولیت اجرایی مستقیم مدیریت شهری کمتر شده و امکان بیشتری برای برنامه‌ریزی و کنترل از پایین به بالا توسط نهادهای خصوصی و مردمی فراهم می‌کند. در اینجا مدیریت شهری از بالا به پایین نیست و در واقع حضور مردم برای حل مشکلات خود مردم امری لازم است (فخرایی و مرزی، ۱۳۹۶: ۱۸). با توجه به اینکه شهر در حیات مدنی از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل می‌شود، لزوم همکاری و توجه به ابعاد مختلف تعامل این سه رکن، بیش از پیش آشکار می‌شود. به طوری که مدیریت شهری (شهرداری) به عنوان مرجع اصلی اداره و هماهنگی شهری، مکلف به سازماندهی و مدیریت شهر می‌باشد. مشارکت شهروندان از پیش‌نیازهای اساسی برای موفقیت برنامه‌ها و به ثمر رسیدن تلاش‌های مدیریت شهری است. با مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، می‌توان از توانایی‌های آن‌ها در جهت پیشبرد اهداف مدیریت شهری کمک گرفت و از سوی دیگر مشارکت خود باعث توانمند سازی شهروندان می‌گردد (ملکشاهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۲۸). مدیریت شهری در ایران با چالش‌های فراوانی روبروست که یکی از دلایل آن ضعیف بودن بعد مشارکتی مردم در زمینه‌ی مدیریت شهری می‌باشد. مشارکت عمومی فرآیندی مؤثر است که از طریق آن مردم، اشخاص یا گروه‌های سازمان‌یافته می‌توانند به تبادل اطلاعات، بیان عقیده و ارائه‌ی نظر بپردازند و از توانایی لازم برای تصمیم‌سازی برخوردار شوند (بهرامی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۶۰). مشارکت مردم در روند تصمیم‌گیری شهری یکی از عناصر اصلی توسعه‌ی همه‌جانبه شهری بوده و افزایش مشارکت مردم در امور شهری می‌تواند در ایجاد تعادل شهری نقش ارزنده‌ای را ایفا نماید. از طرفی در دنیای اجتماعی و پیچیده‌ی شهری، بدون همکاری و مشارکت‌های مردمی، نمی‌توان به توسعه‌ی شهری مطلوب دست یافت؛ در واقع مشارکت شهروندان، موتور محرکه‌ی مدیریت شهری است (شربت، ۱۳۹۷: ۱۶۲). مشارکت مردمی در اداره امور شهری باعث بهبود کارایی، تخصیص هزینه به سوی اولویت‌های اجتماعی و پروژه‌های زیربنایی می‌گردد. مشارکت مردمی که نوعی تمرکززدایی در اداره امور است، باعث افزایش توسعه انسانی و عامل برابری و تحقق عدالت اجتماعی - سیاسی می‌گردد (زیاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۲). برنامه‌ریزی شهری مشارکتی، مستلزم شناخت سازوکارها، ضرورت‌ها و زمینه‌های مشارکت است که امکان مشارکت هدفمند شهروندان را در امور شهری پدید می‌آورد. برنامه‌ریزی مشارکتی در واقع پاسخی به خواسته‌های مردم در تهیه طرح‌ها همچون مردمی بودن، مشارکتی بودن، انعطاف‌پذیری، تمرکززدایی از قدرت، دسترسی به اطلاعات طرح‌ها، توزیع مسئولیت‌ها و قدرت، قابلیت درک و روان بودن طرح‌ها بود. تنها در برنامه‌ریزی مشارکتی است که به مردم، امکان شرکت مستقیم برای بیان خواست‌ها و نظریات آن‌ها در تهیه طرح و شکل‌دهی اجتماعات محلی داده می‌شود و مردم به گونه‌ای مثبت و دست اول در فرآیند تهیه طرح مداخله می‌کنند. در واقع برنامه‌ریزی مشارکتی در تهیه طرح‌ها، پدیده‌ای است که در آن مردم در بطن فرآیند

برنامه‌ریزی قرار گرفته و از وزنی مساوی با تصمیم‌گیرندگان برخوردار می‌شوند. در این راستا مردم همانند طراحان، عقاید خود را با اتکا بر روش‌ها و تکنیک‌های مشارکتی اعلام و در جهت تحقق آن‌ها تلاش می‌کنند. از مشکلات فراوری مدیریت شهر بناب در خدمات‌رسانی مناسب به شهروندان که مرتبط با عدم مشارکت فعال شهروندان است را می‌توان به، کمبود درآمد مدیریت شهر در نتیجه عدم توانایی در خدمات‌رسانی مناسب به شهروندان، عدم همکاری برخی از شهروندان در رابطه با پرداخت عوارض به شهرداری، عدم رعایت هنجارهای اجتماع از سوی برخی از شهروندان، عدم آگاهی شهروندان از حقوق و تکالیف خود در امور مربوط به شهر، عدم اعتماد و تعهد اجتماعی، عدم پیشبرد سریع برنامه‌های مدیریت شهری، عدم خدمات‌رسانی مناسب به شهروندان و عدم هماهنگی بین خواسته‌های شهروندان با برنامه‌های مدیریت شهری (شهرداری) اشاره کرد. لذا هدف اصلی این پژوهش ارزیابی الگوهای مشارکت شهروندان در شهر بناب و ارائه الگوی بهینه می‌باشد. به همین دلیل نگارندگان قصد دارند ضمن تبیین اهمیت نقش شهروندان که از عناصر مهم توسعه طرح‌های شهری هستند به ارائه راهکارهایی جهت ارتقاء مشارکت آن‌ها در مدیریت، فرایند تصمیم‌گیری، سرمایه‌گذاری توسعه طرح‌های شهری در راستای تحقق رویکرد توسعه مشارکتی بپردازد.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مشارکت: مشارکت درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تا برای دستیابی به اهداف گروهی، یکدیگر را یاری دهند. همچنین منظور از مشارکت دخالت مستقیم افراد در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی تا حقوق و آزادی‌های آنان از گزند کار و گروه‌های کوچک و دور از دسترس افراد نا شناس در امان بماند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳).

مشارکت شهری: مشارکت شهری را می‌توان به معنای شرکت و حضور جدی، فعال، آگاهانه، ارادی، سازمان‌یافته و مؤثر یگان‌های سازنده جامعه شهری یعنی افراد، خانوارها، گروه‌ها، نهادها، سازمان‌ها و بخش‌های عمومی شهری در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زندگی برای نیل به اهداف جمعی جامعه شهری دانست (شربت، ۱۳۹۷: ۱۶۵).

سطوح مشارکت: مردم از نظر جایگاهی که در پروژه‌های شهری دارند و نوع مشارکتی که می‌توانند عملاً داشته باشند، و اینکه شکل‌دهندگان مشارکت چه هدفی را (مشارکت یا ضد مشارکت) دنبال می‌نمایند می‌توانند به طریق زیر عمل نمایند:

- ۱ - خودانگیخته ۲ - تعاملی (کنشی) ۳ - عملکردی ۴ - مشارکت به خاطر انگیزه‌های مادی ۵ - اطلاعات‌دهی و مشورت کردن ۶ - مشارکت انفعالی ۷ - صوری و فریب (ظاهر فریبانه).

جدول ۱- انواع مشارکت بر حسب جایگاه شهروندان در پروژه‌های شهری

نوع مشارکت	نحوه مشارکت
سیستم مشارکت عملی شهروندان	خودانگیختگی مردم خود مبتکر پروژه بوده، جهت منابع و کمک‌های فنی با نهادهای دیگر تماس می‌گیرند. لیکن مردم، کنترل منابع پروژه را همچنان در دست خود حفظ می‌نمایند. در صورت حمایت دولت و نهادهای غیر دولتی چنین پروژه‌هایی می‌توانند به اجرای کامل برسند.
	مشارکت تعاملی مبتکر پروژه، یک نهاد خارجی است که در ارتباط با مردم محلی فعالیت می‌نماید. مشارکت به عنوان یک حق شهروندی تلقی شده و تنها وسیله‌ای جهت رسیدن به اهداف پروژه- می‌باشد. مردم در تحلیل مسایل، تدوین برنامه‌های اجرایی و تشکیل نهادهای اجرایی و مدیریتی مشارکت می‌نمایند؛ لذا آن‌ها تأثیر زیادی بر نحوه استفاده از منابع دارند.
	مشارکت عملکردی مشارکت از سوی نهاد خارجی به عنوان وسیله‌ای جهت تحقق پروژه، به خصوص کاهش هزینه‌ها از طریق ارایه نیروی کار و مدیریت رایگان تلقی می‌شود. برای مثال مردم بعد از اینکه تصمیمات مهم از اینکه تصمیمات مهم از سوی نهاد خارجی گرفته شد و اهداف پروژه مشخص می‌شوند، جهت تحقق اهداف تعیین شده، مشارکت می‌کنند. نهایتاً در چنین شیوه مشارکت، مردم در جذب اهداف مورد نیاز نهاد خارجی، از اهداف خود دست می‌کشند.
سیستم مشارکت غیر عملی شهروندان	مشارکت به خاطر انگیزه‌های مادی مردم تنها در واکنش نسبت به انگیزه‌های مادی، مشارکت می‌نمایند. مثلاً در پروژه‌های خود یاری به شرط عرضه نیروی کار و ایجاد ساختمان، زمین و خدمات دریافت می‌نمایند.
	اطلاع دهی و مشورت کردن نظرات مردم جهت تعیین نیازها و اولویت‌های مردم گرفته می‌شود، لیکن، میزان جمع آوری اطلاعات و کنترل تحلیل به وسیله نهاد خارجی از طریق تشخیص مسئله و راه حل‌های مورد نظر معین می‌شود. هیچ قدرت تصمیم‌گیری به مردم داده نشده، به علاوه مجریان پروژه هیچ تعهدی نسبت به تحقق اولویت‌های مردم به عهده نمی‌سپارند.
	مشارکت انفعالی به مردم گفته می‌شود که چه چیزی انجام خواهد شد، بدون اینکه نظرات آن‌ها خواسته شده و یا قدرتی در تغییر امور داشته باشند.
	صوری و فریب (ظاهر فریبانه) تظاهر به مشارکت است که انجام می‌پذیرد به عنوان مثال، نمایندگانی در هیأت‌های رسمی گماشته شده، بدون اینکه افراد انتخاب شده و یا قدرتی داشته باشند.

مأخذ: شاکری، ۱۳۸۰: ۲۹-۳۲.

پل نیز در سال ۱۹۸۸ چهار سطح را برای مشارکت در اجتماعات محلی شناسایی کرد که به ترتیب عبارتند از:

سطح ۱: تسهیم اطلاعات (پایین‌ترین سطح)

سطح ۲: مشاوره

سطح ۳: تصمیم‌گیری

سطح ۴: اقدام به عمل (بالا‌ترین سطح)، (شریفیان‌ثانی، ۱۳۸۰: ۴۴).

مدل دیگری از نردبان مشارکت عمومی را نیز وایدمان و فیمرز ارائه دادند که پله‌های آن از «حق همگانی برای دانستن» آغاز می‌شود و تا «مشارکت مردم در تصمیم‌نهایی» ادامه می‌یابد. در پله‌های دوم و پنجم نیز آگاهی دادن به عموم، حق عمومی اعتراض و مخالف ورزیدن، مشارکت مردم در بیان نکات خاص و مورد توجه، ایفای نقش تعیین دستور کار و مشارکت مردم در ارزشیابی راهکارها خطرها و توصیه قرار دارند (Weidemann and Femers, 1993؛ شریفیان ثانی، ۱۳۸۰: ۴۶).

جدول ۲- نوع‌شناسی مشارکت و ویژگی‌های آن

نوع	ویژگی‌ها
مشارکت مصنوعی	مشارکت فقط در ظاهر وجود دارد (نمایندگان مردم دارای سمت هستند ولی قدرتی ندارند).
مشارکت منفعل	مشارکت مردم تنها در حد آگاه سازی آن‌ها از تصمیمات یا اقدامات صورت گرفته است (اطلاعات فقط نزد متخصصان است)
مشارکت مشورتی	مشارکت مردم به صورت مشورت گرفتن از آنان یا پاسخگویی به برخی سؤالات است (در اینجا نیز مردم نقشی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند).
مشارکت مادی	مردم با انگیزه دریافت کمک‌های مالی، غذا و یا پول اقدام به مشارکت می‌کنند.
مشارکت کارکردی	مردم ممکن است در تصمیم‌گیری سهمی باشند ولی تا متخصصان تأیید نکنند فعالیتی صورت نمی‌گیرد.
مشارکت هم‌کنشی	مردم در تحلیل‌های مشترک، ایجاد برنامه‌های عملی و تشکیل یا تقویت مؤسسات محلی مشارکت می‌کنند.
خودانگیزی	مردم با در دست گرفتن ابتکار عمل بدون نیاز به مؤسسات بیرونی برای تغییر سیستم به مشارکت می‌پردازند.

مأخذ: Feitsma, 1996: 150

شهروندی: شهروند فردی است که در ساختار اجتماعی، سیاسی فرهنگی و اقتصادی جامعه حضور داشته باشد و در تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و شکل‌دهی به آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در سایه همزیستی، تعامل داوطلبانه و تلاش همگام در نیل به سعادت دنیوی و اخروی مؤثر است (آملی و سوداگر، ۱۳۹۴: ۳۷).

مدیریت شهری: مدیریت شهری عبارت است از اداره‌ی امور شهر به منظور ارتقاء مدیریت پایدار و همچنین یک سازمان گسترده متشکل از عناصر و اعضای رسمی و غیررسمی مؤثر و ذریبط در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و کالبدی حیات شهر، با هدف اداره، کنترل و هدایت توسعه همه‌جانبه و پایدار شهر موردنظر. مهمترین هدف مدیریت شهری را می‌توان در ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی دانست. مدیریت شهری باید ضمن دارا بودن برنامه برای وضع موجود شهر و فایق آمدن بر مشکلات آن، برنامه‌های آینده شهر را تدوین کرده و براساس آن‌ها به ترسیم آینده ایده‌آلی که بر مبنای واقعیت‌ها و شرایط زمان و مکان قرار دارد، بپردازد. در این گذر باید به این نکته تأکید کرد که شهرنشینی و مدیریت شهری باید با رشد معیارها و رفاه اجتماعی توأم باشد و با ایجاد تسهیلات اجتماعی برای تمام اقشار جامعه شهری، فرصت‌های مناسب را به حداکثر رسانده و محیط شهری را در جهت عرصه‌ها و ارزش‌های فرهنگی و انسانی ارتقا بخشد (ملکشاهی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۳۲).

پیشینه پژوهش

علیزاده اقدام و همکاران (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر اصفهان)، به این نتیجه رسیده‌اند که بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته‌اند. براساس نتایج این پژوهش، رابطه‌ی معناداری بین اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی با مشارکت وجود دارد. در مجموع، عملکرد نهادهای شهری بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیرگذار بوده است. فتحی (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه فضاهای شهری تهران، به این نتیجه رسیده است که میزان مشارکت‌پذیری شهروندان در فضاهای شهری در سطح متوسط به پایین قرار دارد.

قنبری (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان بررسی تطبیقی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: محلات شهر تبریز)، به این نتیجه رسیده‌است که میزان مشارکت شهروندان در اداره امور شهری متوسط به بالا بوده است. اما این میزان نسبت به محلات مختلف در نوسان بوده و بالاترین آن اختصاص به شهرک امام و پایین‌ترین آن به محدوده مرکزی شهر اختصاص داشته‌است. همچنین متغیرهای جنس، نوع مالکیت، منطقه سکونت، تحصیلات، قدمت سکونت و احساس تعلق در میزان مشارکت شهروندان تأثیر داشته است. از میان این عوامل، احساس تعلق، تحصیلات و قدمت سکونت مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر مشارکت شهروندان بوده‌اند.

یغفوری و همکاران (۱۳۹۳)، در تحقیقی با عنوان بررسی ظرفیت و قابلیت‌های مشارکت شهروندان در امور شهری مطالعه موردی: شهر فسا، به این نتیجه رسیده‌اند که شهروندان فضایی دارای ظرفیت مشارکت‌پذیری متوسط به بالا هستند و در بین شاخص‌های مشخص‌کننده ظرفیت مشارکت شهروندان، فقط در شاخص‌های اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی و تصور از خویشتن رتبه‌ی متوسط و در بقیه‌ی شاخص‌ها رتبه بیش از حد متوسط کسب کرده‌اند.

یغفوری و رفیعان (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد شهر فسا)، به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت شهری شهر فسا در رابطه با افزایش مشارکت شهروندان عملکرد ضعیفی داشته است؛ به طوری که نتایج تحلیل داده‌ها این عملکرد را در حد کم و خیلی کم ارزیابی کرده‌اند. عظیمی عاملی و سوداگر (۱۳۹۴)، در تحقیقی با عنوان بررسی نقش مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهر (نمونه موردی: شهر نور)، به این نتیجه رسیده‌اند که شهروندان برای مشارکت در ابعاد توسعه پایدار تمایل نسبی دارند که در بعضی گویه‌ها پایین و در بعضی گویه‌ها بالاتر است. باید برای به حداکثر رساندن این نوع مشارکت اقداماتی نظیر ایجاد انگیزش، ارتقا سطح آموزشی و فرهنگی، ایجاد بستر و شرایط مناسب برای مشارکت و ابزارهای نظرسنجی برای ارائه نظرات و پیشنهادات شهروندان طراحی کرد.

پیراهری و تاجیک (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان بررسی مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهری با تأکید بر شهر سالم (منطقه ۱ و ۲۰ شهر تهران)، به این نتیجه رسیده‌اند که میزان مشارکت شهروندان کم بوده و همچنین بین میزان مشارکت پاسخگویان در امور شهری با منطقه سکونت، سابقه سکونت، میزان احساس مالکیت بر محیط شهری، اعتماد اجتماعی و رضایت از خدمات شهری رابطه معنادار و مستقیمی وجود داشت.

آروین و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان بررسی شاخص‌های زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۹ شهر تهران)، به این نتیجه رسیده‌اند که متغیرهای تعامل اجتماعی، همبستگی اجتماعی، اعتماد اجتماعی و آگاهی اجتماعی از حوزه‌ی سرمایه اجتماعی بر نگرش به مشارکت تأثیر معناداری دارند. متغیر رضایتمندی بر دل‌بستگی به مکان اثر دارد و دل‌بستگی به مکان بر نگرش به مشارکت و مشارکت عملی تأثیر مثبتی دارد. به‌طور کلی بحث مشارکت شهروندان در امور شهری در منطقه ۹ هم‌زمان از ویژگی‌های اجتماعی، مکانی و فردی تأثیر می‌پذیرد.

- محسنی تبریزی و همکاران (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن به این نتیجه رسیده است که بین عواملی مانند اعتماد اجتماعی، پیوند گروهی، رسانه‌های جمعی و پایگاه اجتماعی و اقتصادی و مشارکت مردم این شهر رابطه وجود دارد. لازم به ذکر است که فعال کردن و انگیزه دادن به شهروندان برای مشارکت نیازمند فضای سیاسی شفاف، قوانین و مقررات مناسب، برخورداری نسبی از امکانات معیشتی و رفاهی است.

ملکی و سروستان (۱۳۹۵)، در تحقیقی با عنوان ارزیابی مشارکت شهروندان در خدمات و محیط زیست نواحی شهری باغملک، به این نتیجه رسیده‌اند که بین مشارکت شهروندان و آگاهی آن‌ها در اداره امور شهر، بین مشارکت شهروندان و جنس و تحصیلات شهروندان، بین مشارکت شهروندان و خدمات شهری رابطه معنادار می‌باشد و فقط بین سن و مشارکت شهروندان در اداره امور شهری عدم رابطه معنا داری اثبات شده است.

فخرایی و مرزی (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان بررسی رابطه مشارکت شهروندان و فاکتورهای اصلی مدیریت شهری مطالعه موردی: شهر تهران، به این نتیجه رسیده‌اند که از بعد ذهنی تمایل شهروندان به مشارکت در مدیریت شهری بالاست و بستر بسیار مناسبی برای مشارکت در شهر مورد مطالعه وجود دارد. لازم به ذکر است که مشارکت شهروندی بیشترین تأثیر و رابطه را با آگاهی شهروندی داشته است.

یغفوری و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیقی با عنوان میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن (نمونه موردی: دره شهر)، به این نتیجه رسیده‌اند که مدیران شهری دره شهر نسبت به مشارکت مردم کم‌توجه‌اند اما شهروندان دره شهر تمایل و توان فراوانی به مشارکت در امور شهر را دارند و مدیران شهری باید بستر لازم را برای مشارکت همه‌جانبه نیروهای مردمی فراهم نمایند. درنهایت راهبردهای برون‌رفت از این مشکل و ترسیم وضع مطلوب آن ارائه گردید.

ملکشاهی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان شناخت و ارزیابی عوامل مرتبط با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، به این نتیجه رسیده‌اند که میزان مشارکت شهروندان کمتر از حد متوسط بوده است. از بین انواع مشارکت شهروندان، تنها مشارکت اجتماعی در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار داشته و مشارکت‌های مالی، فیزیکی، فکری، ذهنی و سیاسی از حد متوسط پایین‌تر بوده است.

شریتی (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد)، به این نتیجه رسیده‌است که رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد بین متغیرهای مستقل شامل؛ رضایت شهروندان از خدمات شهری، اعتماد شهروندان نسبت به مدیران شهری، آگاهی شهروندان از برنامه‌های مدیریت شهر و تعلق اجتماعی شهروندان با متغیر وابسته (مشارکت شهروندان در امور مدیریت شهری) وجود دارد. نتایج آزمون آماری تفاوت میانگین‌ها و تحلیل واریانس نشان داد که بین متغیرهایی مانند جنسیت، سن، تحصیلات، پایگاه اقتصادی - اجتماعی با میزان مشارکت شهروندان تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین بر اساس آزمون تحلیل واریانس رابطه معنا داری بین وضعیت سکونت شهروندان با میزان مشارکت آنان وجود ندارد.

- صادقی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان تبیین کیفیت‌های محیطی مؤثر بر مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری به عنوان بعد اجتماعی توسعه پایدار، مورد پژوهی: شهر شیراز، به این نتیجه رسیده‌اند که از دید شهروندان بالای ۱۵ سال شهر شیراز، کیفیت‌های سرزندگی، فقدان آلودگی و سبز بودن، قابلیت شناخت و تجربه، تناسب و یکپارچگی، همه‌شمولی و فقدان جرم و جنایت بر میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی شهری تأثیرگذارند.

- بهرامی و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری (مطالعه موردی: محله ولیعصر شمالی، تهران)، به این نتیجه رسیده‌اند که شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی از مشارکت بالایی برخوردار نبوده‌اند و بین میزان تحصیلات به عنوان مهمترین مؤلفه پایگاه اجتماعی و میزان مشارکت شهروندان در طرح‌های عمرانی رابطه معناداری وجود دارد و هر چه میزان تحصیلات شهروندان بیشتر باشد میزان علاقه و مشارکت آن‌ها در مسائل شهری بیشتر است.

رضائیان و همکاران (۱۳۹۷)، در تحقیقی با عنوان بررسی نقش مشارکت شهروندان در حفاظت از محیط زیست شهری (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهرداری تهران)، به این نتیجه رسیده‌اند که ساکنان منطقه ۹ شهر تهران در زمینه حفاظت از محیط زیست شهری مشارکت کافی را داشته‌اند. لازم به ذکر است که شهروندان بیش‌ترین میزان مشارکت را در زمینه حفاظت از پارک‌ها و فضای سبز محله و کم‌ترین میزان مشارکت را در زمینه مشارکت در نظافت محله داشته‌اند. علاوه بر آن نتایج نشان داد بین میزان مشارکت زیست محیطی شهروندان و سن، جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات و سابقه سکونت رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

زیاری و همکاران (۱۳۹۸)، در تحقیقی با عنوان بررسی نقش مشارکت شهروندان در افزایش موفقیت مدیریت شهری مورد: کلانشهر شیراز، به این نتیجه رسیده‌اند که در بین متغیرهای تحقیق قویترین اثر مربوط به رابطه بین بازنمایی قدرت شهروندان با میزان موفقیت مدیریت شهری بوده و تأثیرگذاری و نظارت شهروندی در رتبه دوم بوده است. لازم به ذکر است که سایر متغیرهای تحقیق از جمله تمایلات جمعی، دموکراسی، بازسازی شهر و ساختار سیاسی حاکمیت به ترتیب در جایگاه بعدی بوده‌اند و بر میزان موفقیت مدیریت شهری در شهر شیراز نقش داشته‌اند.

سوالات پژوهش

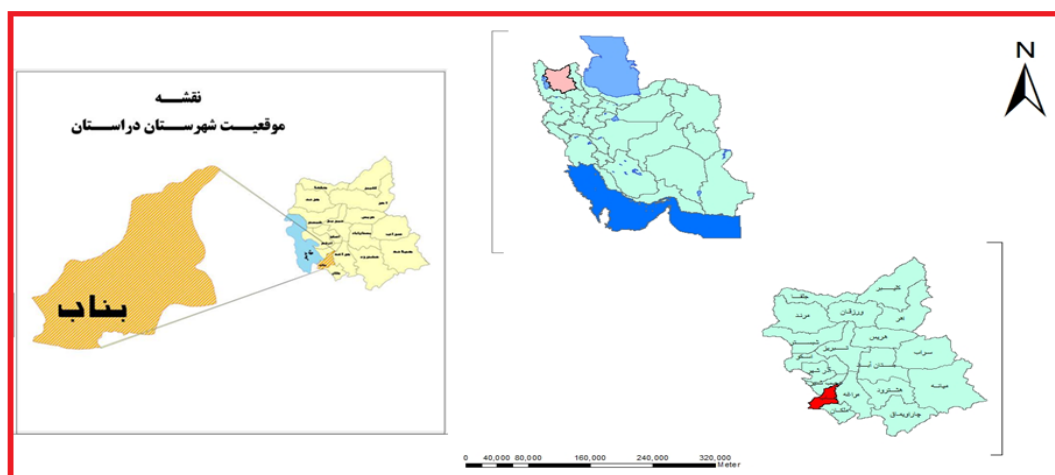
- مهم‌ترین عوامل افزایش مشارکت مردم بناب در طرح‌های شهری چه می‌باشد؟
- میزان مشارکت مردم در طرح‌های شهری بناب در چه سطحی می‌باشد؟
- مهم‌ترین الگو برای افزایش مشارکت مردم در طرح‌های شهری بناب چه می‌باشد؟

فرضیه‌های پژوهش

- به نظر می‌رسد ارائه خدمات بهتر و افزایش رضایت مردم و ایجاد احساس هویت به شهر را می‌توان مهم‌ترین عامل مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری در نظر داشت.
- به نظر می‌رسد میزان مشارکت مردم در طرح‌های شهری در سطح پایینی می‌باشد.
- به نظر می‌رسد مشارکت دادن مردم از مرحله‌ی تصمیم‌گیری تا اجرای طرح مهم‌ترین الگو برای انجام طرح‌های شهری باشد.

معرفی محدوده مورد مطالعه

شهرستان بناب یکی از ۱۹ شهرستان استان آذربایجان شرقی است که در غرب شهرستان مراغه و جنوب دریاچه ارومیه در سمت جنوب غربی استان واقع شده است. این شهرستان از شمال و شرق به مراغه و از شمال غرب و غرب به دریاچه ارومیه و استان آذربایجان غربی و از جنوب به استان آذربایجان غربی و شهرستان ملکان محدود می‌شود. شهرستان بناب بر اساس آخرین تقسیمات کشوری دارای یک بخش مرکزی و ۳ دهستان و یک نقطه شهری و ۲۸ آبادی دارای سکنه است. جمعیت شهر بناب در سال ۱۳۹۵ برابر با ۸۵۲۷۴ نفر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).



شکل ۱- نقشه موقعیت استان آذربایجان شرقی و شهرستان و شهر بناب در کشور، استان و شهرستان
منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است که با توجه به موضوع تحقیق، حوزه مطالعات و مسائل آن، برای تکمیل اطلاعات لازم، با ترکیب روش‌های توصیفی-تحلیلی و پیمایشی، و بهره‌گیری از نظرات کارشناسان و متخصصین مربوطه متغیرهای تأثیرگذار بر وضعیت میزان مشارکت شهروندان بنابی در طرح‌های شهری طبقه‌بندی شدند. جامعه آماری در این پژوهش کل جمعیت شهر بناب در سال ۱۳۹۵ (برابر با ۸۵۲۷۴ نفر) می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) که حجم نمونه از طریق فرمول کوکران معادل ۳۸۲ نفر برآورد شد.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری احتمالی طبقه‌بندی شده استفاده شده است. در این روش جامعه‌ی آماری بر حسب صفت یا صفات اصلی آن به دو یا سه طبقه یا لایه تقسیم می‌شود و پس از آن با یکی از روش‌های تصادفی ساده از هر یک از این طبقه‌ها یا لایه‌ها نمونه‌گیری به عمل می‌آید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آماری همچون همبستگی اسپیرمن، ویلکاکسون، توسط نرم‌افزار spss انجام شده است. در این تحقیق از دو روش آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. آمار توصیفی شرایط موجود را توصیف می‌کند، به این ترتیب که از طریق بدست آوردن فراوانی، درصد و درصد تجمعی متغیرهای مورد مطالعه توصیف می‌شوند. در بخش مربوط به آمار توصیفی تنها می‌توان تصویری از جامعه‌ی مورد مطالعه ارائه داد. در این پژوهش از فراوانی و درصد و درصد تجمعی بهره گرفته شده است. علاوه بر آن چون در پژوهش حاضر تعداد زیادی از متغیرهای تأثیرگذار در مشارکت شهروندان وجود داشته است و لازم بوده که روابط بین آن‌ها بررسی شود، لذا روش‌های اسپیرمن، ویلکاکسون و کایاسکویر مدنظر و مبنای کار تحلیل قرار گرفته است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

این قسمت به دو بخش عمده تقسیم می‌شود. در بخش اول یافته‌های توصیفی و در بخش دوم به ارائه یافته‌های حاصل از محاسبات آمار استنباطی پرداخته می‌شود.

وضعیت آماری یافته‌های توصیفی

جنسیت: در این تحقیق ۳۱۰ نفر از پاسخگویان (۸۱/۲ درصد نمونه آماری) را مرد و ۷۲ نفر از پاسخگویان (۱۸/۸ درصد نمونه آماری) را زن تشکیل داده است.

سن: ۹۶ نفر از پاسخگویان (۲۵/۱۵ درصد نمونه آماری) زیر ۲۵ سال، ۱۶۴ نفر (۴۲/۹ درصد نمونه آماری) بین ۲۵ تا ۳۵ سال، ۷۶ نفر (۱۹/۸ درصد نمونه آماری) بین ۳۶ تا ۴۵ سال، ۳۲ نفر (۸/۳ درصد نمونه آماری) بین ۴۶ تا ۵۵ سال، و ۱۴ نفر از پاسخگویان (۳/۶ درصد نمونه آماری) ۵۵ سال به بالا داشتند.

تاهل: ۲۰۷ نفر از پاسخگویان (۵۴/۲ درصد نمونه آماری) متأهل و ۱۷۷ نفر (۴۵/۵ درصد نمونه آماری) مجرد بودند. **شغل:** ۵۸ نفر از پاسخگویان (۱۵/۲ درصد نمونه آماری) کارمند و ۸۸ نفر (۲۳ درصد نمونه آماری) دانشجو و ۱۴۷ نفر از پاسخگویان (۳۸/۵ درصد نمونه آماری) آزاد و ۸۹ نفر از پاسخگویان (۲۳/۳ درصد نمونه آماری) سایر بودند.

میزان سواد: ۲۳ نفر از پاسخگویان (۶ درصد نمونه آماری) را بی سواد، ۳۷ نفر (۹/۷ درصد نمونه آماری) ابتدایی، ۸۷ نفر (۲۲/۸ درصد نمونه آماری) راهنمایی، ۸۱ نفر (۲۱/۲ درصد نمونه آماری) دیپلم و ۸۰ نفر از پاسخگویان (۲۰/۹ درصد نمونه آماری) را فوق دیپلم و ۷۴ نفر از پاسخگویان (۱۹/۴ درصد نمونه آماری) را لیسانس و بالاتر تشکیل داده است.

سوابق سکونت: ۲۲ نفر از پاسخگویان (۵/۸ درصد نمونه آماری) را بین ۰-۵ سال، ۷۰ نفر (۱۸/۳ درصد نمونه آماری) بین ۶-۱۰ سال، ۱۱۲ نفر (۲۹/۳ درصد نمونه آماری) بین ۱۱ تا ۲۰ سال، ۱۷۸ نفر (۴۶/۳ درصد) ۲۱ سال به بالا تشکیل داده است.

محل تولد: ۳۰۱ نفر از پاسخگویان (۷۸/۸ درصد نمونه آماری) را شهر بناب، ۳۶ نفر (۹/۴ درصد نمونه آماری) سایر نقاط شهر، ۲۳ نفر (۶ درصد نمونه آماری) را شهرستان، ۱۸ نفر (۴/۷ درصد) سایر شهرستانها و ۴ نفر از پاسخگویان (۱ درصد نمونه آماری) را سایر استانها تشکیل داده است.

وضعیت آماری یافته‌های استنباطی

در این قسمت با استفاده از الگوهای مناسب آماری به بررسی فرضیه های تحقیق می‌پردازیم.

جدول ۳- فرضیات متناظر

فرضیات	فرضیات متناظر
۱- به نظر می‌رسد ارائه خدمات بهتر و افزایش رضایت مردم مهم‌ترین عوامل مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری در نظر داشت.	- بین سن شهروندان و میزان مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری رابطه معنی داری وجود دارد. - بین جنس شهروندان و میزان مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری رابطه معنی داری وجود دارد. - بین سطح سواد شهروندان و میزان مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری رابطه معنی داری وجود دارد.
۲- به نظر می‌رسد میزان مشارکت مردم در طرح‌های توسعه شهری در سطح پایینی می‌باشد.	- بین یکدلی و مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری رابطه معناداری وجود دارد. - بین کاردسته جمعی و مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری رابطه معناداری وجود دارد. - بین نظرات شهروندان نسبت به ساکنان محله و مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری رابطه معناداری وجود دارد. - بین نگرش شهروندان نسبت به مشارکت و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه معناداری وجود ندارد. - بین سابقه سکونت شهروندان و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه معنی داری وجود ندارد. - بین محل تولد شهروندان و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه معنی داری وجود ندارد.
۳- به نظر می‌رسد مشارکت دادن مردم از مرحله‌ی تصمیم‌گیری تا اجرای طرح مهم‌ترین الگو برای انجام طرح‌های شهری باشد.	- بین مشارکت در طرح‌ها و مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه معناداری وجود ندارد. - بین میزان مشارکت در تهیه طرح و مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه معناداری وجود ندارد. - بین میزان مشارکت اجتماعی در نهادهای اجتماعی و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه معنی داری وجود ندارد. - بین واقع گرایی و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه معنی داری وجود ندارد. - بین نگرش شهروندان نسبت به مشارکت و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه معنی داری وجود ندارد. - بین الگوی مشارکتی و بهبود انجام طرح‌های شهری رابطه معنی داری وجود دارد.

مأخذ: نگارندگان: ۱۳۹۹.

در فرضیه اول با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر سطح سن شهروندان و میزان مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری با سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/673$ می‌باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار

سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) بزرگتر می باشد پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر تأیید می گردد. (یا فرضیه تحقیق رد می گردد).

- در فرضیه دوم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر جنس شهروندان و میزان مشارکت شهروندان در طرح های شهری با سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/535$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) بزرگتر می باشد پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر تأیید می گردد. (یا فرضیه تحقیق رد می گردد).

- در فرضیه سوم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر سطح سواد شهروندان و میزان مشارکت شهروندان در طرح های شهری، به میزان $61/2\%$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده های به دست آمده در تحقیق نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/612$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/012$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد؛ پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد) یعنی بین سطح سواد شهروندان و میزان مشارکت شهروندان در طرح های شهری رابطه وجود دارد.

- در فرضیه چهارم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر جنس شهروندان و میزان مشارکت شهروندان در طرح های شهری با سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/410$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد).

- در فرضیه پنجم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر کاردسته جمعی و مشارکت شهروندان در طرح های شهری، به میزان $34/2\%$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده های به دست آمده در تحقیق نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/342$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/000$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد؛ پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد) یعنی بین نگرش شهروندان نسبت به مشارکت و الگوی مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری رابطه وجود دارد.

- در فرضیه ششم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین طرح های انجام شده شهر بناب و مشارکت شهروندان در طرح های شهری، به میزان 37% درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده های به دست آمده در تحقیق نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/037$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/010$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد؛ پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد) یعنی بین طرح های انجام شده شهر بناب و مشارکت شهروندان در طرح های شهری رابطه وجود دارد.

- در فرضیه هفتم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین نظرات شهروندان نسبت به ساکنان محله و مشارکت شهروندان در طرح های شهری، به میزان 54% درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده های به دست آمده در تحقیق نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/054$ است و

سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/023$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد) یعنی بین نظرات شهروندان نسبت به ساکنان محله و مشارکت شهروندان در طرح های شهری رابطه وجود دارد.

- در فرضیه هشتم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر مشارکت کنندگان در طرح های انجام شده در شهر بناب و مشارکت شهروندان در طرح های شهری، به میزان $21/2$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده های به دست آمده در تحقیق نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/212$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/000$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد) یعنی بین مشارکت کنندگان در طرح های انجام شده در شهر بناب و مشارکت شهروندان در طرح های شهری رابطه وجود دارد.

- در فرضیه نهم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر نگرش شهروندان نسبت به مشارکت و الگوی مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری، به میزان $58/6$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده های به دست آمده در تحقیق نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/586$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/000$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد) یعنی بین نگرش شهروندان نسبت به مشارکت و الگوی مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری رابطه وجود دارد.

- در فرضیه دهم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین سابقه سکونت شهروندان و الگوی مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری، به میزان $18/4$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده های به دست آمده در تحقیق نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/184$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/014$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد) یعنی بین سابقه سکونت شهروندان و الگوی مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری رابطه وجود دارد.

- در فرضیه یازدهم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین محل تولد شهروندان و الگوی مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری، به میزان 5 درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده های به دست آمده در تحقیق نشان می دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/005$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/012$ می باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می باشد پس می توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می گردد) یعنی بین محل تولد شهروندان و الگوی مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری رابطه وجود دارد.

- در فرضیه دوازدهم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر میزان مشارکت اجتماعی در نهادهای اجتماعی و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری سطح اعتبار حاصله برابر با $p=0/072$ می‌باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($p=0/180$) کوچکتر می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می‌گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد)
- در فرضیه سیزدهم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر واقع گرایی و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/137$ می‌باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/000$) بزرگتر می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر تأیید می‌گردد. (یا فرضیه تحقیق رد می‌گردد).
- در فرضیه چهاردهم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر نگرش شهروندان نسبت به مشارکت و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری، به میزان $66/7$ درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده‌های به دست آمده در تحقیق نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/667$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/002$ می‌باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می‌گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد) یعنی بین نگرش شهروندان نسبت به مشارکت و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه وجود دارد.
- در فرضیه پانزدهم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر نگرش شهروندان نسبت مشکلات طرح‌های انجام شده در شهر بناب و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری با سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/774$ می‌باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/000$) بزرگتر می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر تأیید می‌گردد. (یا فرضیه تحقیق رد می‌گردد).
- در فرضیه شانزدهم با توجه به نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی اسپیرمن، بین دو متغیر بهبود انجام طرح‌های شهری و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری، به میزان 28 درصد رابطه مستقیم وجود دارد. بطوری که داده‌های به دست آمده در تحقیق نشان می‌دهد میزان ضریب همبستگی بین دو متغیر یاد شده رقمی معادل با $R=0/286$ است و سطح اعتبار حاصله برابر با $P=0/000$ می‌باشد. لذا با توجه به اینکه مقدار سطح اعتبار بدست آمده از حداکثر مقدار قابل قبول برای تأیید فرضیه ($P=0/05$) کوچکتر می‌باشد پس می‌توان نتیجه گرفت که فرضیه صفر رد می‌گردد. (یا فرضیه تحقیق تأیید می‌گردد) یعنی بین بهبود انجام طرح‌های شهری و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه وجود دارد.

یافته‌های میدانی (آزمون فرضیات)

- فرضیه اول:

- ۱- به نظر می‌رسد ارائه خدمات بهتر و افزایش رضایت مردم مهم‌ترین عامل مشارکت شهروندان در طرح‌های شهری است.

در این فرضیه با توجه به نتایج بدست آمده از داده های آماری پرسشنامه مولفه ارائه خدمات بهتر با ۴۷ درصد (انتخاب گزینه های زیاد و خیلی زیاد) را از مهمترین عوامل مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه شهری دانسته اند و همچنین در رتبه بعد مولفه افزایش رضایت مردم با ۴۳ درصد (انتخاب گزینه های زیاد و خیلی زیاد) را از مهمترین عوامل مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه شهری دانسته اند. و نیز ایجاد حس هویت به شهر و جلب اعتماد مردم به تر تیب از عوامل مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه شهری با در صد پایین می باشند. در نتیجه فرضیه اول با نظر به اینکه ارائه خدمات بهتر و افزایش رضایت مردم از مهم ترین عوامل مشارکت شهروندان در طرحهای توسعه شهری می باشد تأیید می گردد.

- فرضیه دوم:

۲- به نظر می رسد میزان مشارکت مردم در طرح های شهری در سطح پایینی می باشد.

در فرضیه دوم با توجه به نتایج بدست آمده از داده های آماری پرسشنامه مولفه میزان مشارکت مردم بناب در طرحهای شهری را ۲۸ درصد (انتخاب گزینه های زیاد و خیلی زیاد) دانسته اند. در نتیجه فرضیه دوم با توجه به اینکه میزان مشارکت مردم شهرستان بناب را از لحاظ شرکت در طرحهای توسعه شهری را در سطح پایین دانسته است را اثبات می کند پس فرضیه دوم تأیید می گردد.

- فرضیه سوم:

۳- به نظر می رسد مشارکت هم کنشی مهم ترین الگو برای انجام طرح های شهری بناب باشد.

در فرضیه سوم با توجه به نتایج حاصله می توان مشارکت مشورتی را به عنوان مشارکت مورد نظر جهت ارائه به عنوان الگوی مشارکتی شهروندان ارائه نمود. سئوالات و آزمون فرضیات مرتبط با الگوی مشارکت هم کنشی نشان می دهد که فقط ۶/۸ درصد از شرکت کنندگان به این الگو پاسخ صحیح داده اند در نتیجه فرضیه رد می گردد. همچنین با توجه به نتایج بدست آمده بیشترین میزان درصد الگوی مشارکتی مربوط به مشارکت مشورتی با ۳۴/۸۲ درصد مشارکت جهت ارائه به عنوان الگوی مورد نظر پیشنهاد می گردد. با توجه به نتایج حاصله می توان مشارکت مشورتی را به عنوان مشارکت مورد نظر جهت ارائه به عنوان الگوی مشارکتی شهروندان ارائه نمود.

- یافته های فرضیات متناظر:

بین متغیرهای سن، جنس شهروندان، میزان مشارکت اجتماعی در نهادهای اجتماعی، واقع گرایی، نگرش شهروندان نسبت به مشکلات طرح های انجام شده و مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری رابطه مثبت و معنی داری وجود ندارد.

همچنین بین متغیرهای محل تولد، یکدلی، طرح های انجام شده شهر بناب، نظرات شهروندان نسبت به ساکنان محله، سابقه سکونت شهروندان و طرح های توسعه شهری رابطه معنی دار، پایین و جزئی وجود دارد. بین متغیرهای کار دسته جمعی، میزان مشارکت کنندگان در طرح های انجام شده همبستگی متوسط وجود دارد و نیز بین متغیرهای سطح سواد شهروندان و الگوی مشارکتی همبستگی بالا وجود دارد. همچنین بین متغیرهای نگرش شهروندان نسبت به مشارکت همبستگی خیلی بالا وجود دارد.

بنابراین می توان گفت که در جامعه آماری ما هیچ رابطه ای بین متغیرهای سن، جنس شهروندان، میزان مشارکت اجتماعی در نهادهای اجتماعی، واقع گرایی، نگرش شهروندان نسبت به مشکلات طرح های انجام شده و مشارکت شهروندان در طرح های توسعه شهری با الگوی مشارکت شهروندان پیدا نشد. این در حالی است که بین متغیرهای محل تولد، یکدلی،

طرح‌های انجام شده شهر بناب، نظرات شهروندان نسبت به ساکنان محله، سابقه سکونت شهروندان و طرح‌های توسعه شهری با متغیر وابسته الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری رابطه مثبت و معنی داری در سطح ۰/۰۵ درصد وجود دارد. به این معنی که با افزایش میزان یکدلی، طرح‌های انجام شده شهر بناب، نظرات شهروندان نسبت به ساکنان محله، سابقه سکونت شهروندان و طرح‌های توسعه شهری شهروندان الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری بطور معنی داری افزایش می‌یابد.

– مقایسه بین الگوی استاندارد مشارکت و الگوی کنونی مشارکت

با مقایسه درصد استاندارد الگوهای مشارکتی و درصد وضعیت موجود الگوهای کنونی مشارکت در شهرستان بناب می‌توان گفت که الگوی مشارکت شهروندان بنایی تنها از الگوهای مشارکتی مشورتی پیروی می‌کند و بقیه الگوها که به ترتیب از بیشترین مشارکت شهروندان برخوردار خواهند شد، در شهرستان بناب از وضعیت مناسبی برخوردار نیست. لازم به ذکر است که الگوی مشارکت شهروندان در شهرستان بناب نیز با توجه به نتایج توصیفی و استنباطی فرضیات تعیین شده است که در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول ۴- مقایسه بین الگوی استاندارد مشارکت و الگوی کنونی مشارکت

الگوی مشارکتی	مراحل طرح	فراوانی	درصد	درصد استاندارد
مشارکت منفعل	اطلاعات	۸۵	۲۲/۲۵	۳۰
مشارکت مشورتی	پیشنهاد	۱۳۳	۳۴/۸۲	۳۰
مشارکت کارکردی	تصمیم	۴۵	۱۱/۷۸	۶۰
مشارکت هم کنشی	اجرا	۲۶	۶/۸	۸۰
مشارکت هم کنشی فعال	نظارت	۴۷	۱۲/۳	۹۰
خود انگیزی	همه موارد	۴۶	۱۲/۰۰	۱۰۰

مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۹.

نتیجه‌گیری

نقش مردم و دولت در چند دهه‌ی اخیر به نظریاتی منجر شد که همه‌ی آنها به اجماع، تأکید بر ضرورت مشارکت مردم در اداره‌ی امور مربوط به خود را دارند. در پارادایم جدید مدیریت شهری جهان، اجرای پروژه‌های توسعه‌ای مشارکت شهری جایگاهی خاص یافته است. به‌طوری که رکن اصلی پروژه توسعه شهر با مشارکت همه‌جانبه یگان‌های سازنده شهری همراه است. در واقع در ادبیات جدید توسعه، با توجه به اهمیت نقش مردم در توسعه از مردم به عنوان ثروت واقعی هر جامعه یاد می‌شود. اصطلاح تخصصی توسعه از پایین به بالا نیز ناظر بر نقش مشارکتی مردم است. نظریه‌پردازان مشارکت اجتماعات محلی معتقدند که مشارکت این اجتماعات در اداره‌ی امور خود هم حقیقت و هم ارزش است. مشارکت مردم محلی به تدریج به عنوان ضرورتی است که در امور برنامه‌ریزی و توسعه پذیرش روزافزونی یافت. از سویی دیگر ناگفته پیداست که به مشارکت فراخواندن نیروهای مردمی بدون شناخت ویژگی‌های فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و مکان زیست آنها امکان‌پذیر نمی‌باشد و الگوی مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری نیز از این قاعده مستثنی نیست. اولین شرط، شناخت نگرش‌ها و تمایلات مردم است که باید با باور توانمندی‌های آنها همراه باشد. پس از آن ایجاد بستر و شرایط مناسب در عرصه‌های مختلف است تا با تجربه و آزمون آن بتوان به طور

مؤثر در فعالیتهای اجتماعی مشارکت کرد. این مسئله از یک سوی نیازمند برنامه‌ریزی برای طراحی الگوها و ایجاد انواع تشکل‌هاست و از سوی دیگر نیازمند شناسایی ظرفیتهای قابل واگذاری برای مشارکت در شهرداری است. نگاهی به ملاحظات صورت گرفته در زمینه میزان مشارکت شهروندان در توسعه طرح‌های شهری در ایران مبین این واقعیت است که اغلب تجربیات صورت گرفته در فرایند تهیه و اجرای طرح‌ها رویکردی از بالا به پایین و بدون توجه به زندگی و الگوهای رفتاری و مشارکت ساکنین را دنبال کرده است. با توجه به مطالب فوق و عدم موفقیت طرح‌های شهر بناب یا دیر به اتمام رساندن طرح‌ها ضرورت توجه به مشارکت‌های مردمی در تمام زمینه‌های امور شهری احساس می‌شد. با توجه به سؤالات و آزمون فرضیات مرتبط با الگوی مشارکتی؛ ۲۲/۲۵ درصد مربوط به مشارکت منفعل، ۳۴/۸۲ درصد مشارکت مشورتی، ۱۱/۷۸ مشارکت کارکردی، ۶/۸ مشارکت هم‌کنشی، ۱۲/۳ مشارکت هم‌کنشی فعال و ۱۲/۰۰ درصد هم مربوط به خود انگیزی می‌باشد. با توجه به نتایج حاصله سطح مشارکت در شهر بناب مشارکت مشورتی است. در نوع شناسی الگوی استاندارد مشارکت که شامل هفت مرحله بوده که مرحله اول آن (مشارکت مصنوعی)، است مشارکت فقط در ظاهر وجود دارد (نمایندگان مردم دارای سمت هستند ولی قدرتی ندارند). و در مرحله هفتم که بالاترین و بهترین سطح مشارکت است (مشارکت خود انگیزی)، مردم با در دست گرفتن ابتکار عمل بدون نیاز به مؤسسات بیرونی برای تغییر سیستم به مشارکت می‌پردازند. در مشاورت مشورتی مشارکت مردم به صورت مشورت گرفتن از آنان یا پاسخگویی به برخی سؤالات است (در این نوع مشارکت مردم نقشی در تصمیم‌گیری‌ها ندارند). از آن‌جا که در پژوهش حاضر الگوی استاندارد مشارکت با توجه به جدول شماره‌ی دو در نظر گرفته شده است، که در آن میزان مشارکت متفاوت (هفت مرحله) است. طبق نتایج به دست آمده مشارکت شهروندان بنابی در سطح سوم قرار دارد و تا رسیدن به سطح هفتم که بالاترین و بهترین سطح مشارکت هست راهی طولانی وجود دارد و می‌طلبد که مجموعه مدیریت شهری با تلاش فراوان و با بکارگیری شیوه‌های علمی، مدون، زمان‌مند و استفاده از متخصصین برنامه‌ریزی شهری، مدیریت شهری و سایر متخصصین میزان مشارکت و سطح مشارکت را در شهر بناب افزایش داده و به بالاترین سطح ممکن که مشارکت خودانگیزی (مردم با در دست گرفتن ابتکار عمل بدون نیاز به مؤسسات بیرونی برای تغییر سیستم به مشارکت می‌پردازند) است، برسانند.

منابع

- آروین، محمود؛ فرهادی‌خواه، حسین؛ پوراحمد، احمد. (۱۳۹۶)، «بررسی شاخص‌های زمینه‌ساز مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی ۹ شهر تهران)»، فصلنامه مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، ۸ (۲۹): ۵۱-۳۳.
- بهرامی، سمیه؛ داوری، الهام؛ خداداد، مهدی. (۱۳۹۷)، «بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در فعالیت‌های عمرانی و خدماتی شهرداری (مطالعه‌موردی: محله ولیعصر شمالی، تهران)»، مجله جغرافیا و روابط انسانی، ۱ (۲): ۵۷۳-۵۵۹.
- پیراهری، نیر؛ تاجیک، منصوره. (۱۳۹۵)، «بررسی مشارکت شهروندان تهرانی در امور شهری با تأکید بر شهر سالم (منطقه ۱ و ۲۰ شهر تهران)»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۸ (۴): ۹۵-۱۱۰.
- رضائیان، سیاوش؛ جوزی، سید علی؛ ملماسی، سعید. (۱۳۹۷)، «بررسی نقش مشارکت شهروندان در حفاظت از محیط زیست شهری (مطالعه موردی: منطقه ۹ شهرداری تهران)»، فصلنامه محیط زیست و توسعه فرابخشی، ۴ (۶۶): ۷۰-۵۹.
- زیاری، کرامت‌الله؛ بیک‌محمدی، حسن؛ رضایی کوچی، محمود. (۱۳۹۸)، «بررسی نقش مشارکت شهروندان در افزایش موفقیت مدیریت شهری مورد: کلانشهر شیراز»، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، ۱۰ (۳۸): ۶۲-۵۱.
- شاکری، هادی. (۱۳۸۰)، «نقش مشارکت مردمی در توسعه روستایی با تأکید بر جایگاه جوانان از نظر دولت و مردم»؛ پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- شربتی، اکبر. (۱۳۹۷)، میزان مشارکت شهروندان در امور شهری (مطالعه موردی: شهر گنبد)، فصلنامه آمایش محیط، ۱۱ (۴۱): ۱۶۱-۱۸۳.
- شریفیان ثانی، مریم. (۱۳۸۰)، «مشارکت شهروندی، حکمرانی شهری و مدیریت شهری»، مدیریت شهری، ۲ (۸): ۴۳-۴۳.
- صادقی، علیرضا؛ پناهی، نیلوفر؛ زارع، پریسا. (۱۳۹۷)، «تبیین کیفیت‌های محیطی مؤثر بر مشارکت شهروندان در عرصه‌های عمومی شهری به عنوان بعد اجتماعی توسعه پایدار، مورد پژوهی: شهر شیراز»، دوفصلنامه معماری و شهرسازی پایدار، ۶ (۲): ۱۷-۳۳.
- عظیمی آملی، جلال؛ سوداگر، سوسن. (۱۳۹۴)، «بررسی نقش مشارکت شهروندان در توسعه پایدار شهر (نمونه موردی: شهر نور)»، مطالعات مدیریت شهری، ۷ (۲۱): ۳۵-۴۵.
- علیزاده اقدام، محمدباقر؛ عباس‌زاده، محمد؛ کوهی، کمال؛ مختاری، داود. (۱۳۹۲)، «نهادهای شهری و مشارکت شهروندان در اداره‌ی امور شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر اصفهان)»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۴۵ (۲): ۱۹۵-۲۱۴.
- فتحی، سروش. (۱۳۹۳)، «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه فضاهای شهری تهران»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۴ (۱۰): ۱۴۳-۱۶۴.
- فخرایی، عباس؛ مرزی، روزین. (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه مشارکت شهروندان و فاکتورهای اصلی مدیریت شهری مطالعه موردی: شهر تهران»، مجله مطالعات محیطی هفت حصار، ۶ (۲۱): ۱۷-۲۶.
- قنبری، ابوالفضل. (۱۳۹۳)، «بررسی تطبیقی تأثیر فضای شهری بر میزان مشارکت شهروندان (مورد مطالعه: محلات شهر تبریز)»، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، ۱۸ (۴۸): ۲۱۱-۲۴۳.
- محسنی تبریزی، علیرضا؛ آقاجانی، حسین؛ عزیزخانی، اقباله. (۱۳۹۵)، «تبیین جامعه‌شناختی صور مختلف مشارکت در بین شهروندان شهر خلخال و عوامل مؤثر بر آن»، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری (مطالعات شهری)، ۶ (۱۹): ۳۲-۱.
- مرکز آمار ایران، سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال، ۱۳۹۵.
- ملک‌شاهی، غلامرضا؛ نیک‌پور، عامر؛ غلامی، سپیده. (۱۳۹۷)، «شناخت و ارزیابی عوامل مرتبط با مشارکت شهروندان در مدیریت شهری»، جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۵ (۱۲): ۳۲۷-۳۵۰.
- ملکی، سعید، سروستان، رسول. (۱۳۹۵)، «ارزیابی مشارکت شهروندان در خدمات و محیط زیست نواحی شهری باغملک»، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۸ (۲۵): ۲۶-۳۸.

- یغفوری، حسین، رفیعیان، سجاد. (۱۳۹۴)، «بررسی عملکرد مدیریت شهری در رابطه با مشارکت شهروندان در امور شهری (مورد شهر فسا)»، مجله مطالعات و پژوهش‌هاش شهری و منطقه‌ای، ۷ (۲۷): ۸۱-۱۰۰.
- یغفوری، حسین، طهماسبی، قباد، حاتمی، داود. (۱۳۹۶)، «میزان مشارکت شهروندان در امور شهری و عوامل مؤثر بر آن (نمونه موردی: دره شهر)»، فصل‌نامه آمایش محیط، ۱۰ (۳۹): ۲۹-۵۸.
- یغفوری، حسین، هادیانی، زهره؛ رفیعیان، سجاد. (۱۳۹۳)، «بررسی ظرفیت و قابلیت‌های مشارکت شهروندان در امور شهری مطالعه موردی: شهر فسا»، فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۱۲ (۳۴): ۸۳-۹۷.